

خمس طلا و تکانه‌های اقتصادی

سید محمدحسین متولی امامی

دکتری دانش اجتماعی مسلمین

رئیس موسسه تمدن اسلامی

چکیده

خمس از واجبات و ضروریات اسلامی است. یک پنجم مال افراد واجد شرایط، متعلق به دولت اسلامی و حاکم شرع است و قبل از اخراج این حق الهی، مکلفان حق تصرف در اموال خود را ندارند. چالشی در که دوران پول اعتباری، گریبان‌گیر حکم شرعی خمس گردیده، شیوه محاسبه آن در تکانه‌های شدید اقتصادی و شرایط تورمی است. نوسانات ارزی ناشی از خلق پول باعث می‌شود که ارزش واقعی اموال، مجهول شده و گرانی با تورم قابل تفکیک نباشد. پرسش اصلی این نوشتار آن است که چگونه می‌توان در شرایط نوسانات ارزی، خمس واقعی اموال را محاسبه کرد؟ بی‌توجهی به این مقوله باعث می‌شود که گاهی تا شصت درصد مال یک فرد، به عنوان خمس گرفته شود. برخی از دفاتر مراجع عظام تقلید، ملاک محاسبه صحیح خمس را نرخ تورم عنوان کرده‌اند. برخی دیگر، برای محاسبه میزان کاهش ارزش اموال، سبد کالای مشخصی را معیار قرار داده‌اند. این نوشتار با نقد و بررسی این دیدگاه‌ها، ارزش طلایی اموال را به عنوان بهترین ملاک ارزش‌یابی اموال در محاسبه خمس پیشنهاد می‌دهد و خمس طلا را بستر مناسبی برای اجرای صحیح و بهینه حکم شرعی خمس معرفی می‌کند.

کلیدواژگان: خمس، خمس طلا، پول طلا، نرخ تورم، سبد کالا، ارزش اسمی اموال، ارزش

واقعی اموال.



مقدمه

خمس یکی از واجبات مهم مالی در دین اسلام به شمار می‌رود و عبارت است از مالی که هر فرد واجد شرایط، به نسبت یک‌پنجم، طبق ضوابط خاصی باید پرداخت می‌کند که شرح آن در رساله عملیه فقیهان آمده است. یکی از چالش‌های محاسبه خمس در دوران معاصر، تعیین مقدار آن در نوسانات ارزی و تکانه‌های اقتصادی است. در این شرایط، برخی از دفاتر مراجع تقلید، تورم را در محاسبه خمس دخالت نمی‌دهند و برخی دیگر که این تکانه‌های اقتصادی را مؤثر در کاهش ارزش اموال می‌بینند، به صورت مسامحی و تقریبی، از مقدار خمس کم می‌کنند. این رفتارها آثار مناسبی را در پی نداشته و موجب کاهش خمس دهندگان و بی‌اعتقادی به اصل مقوله خمس در جامعه می‌شود. تاجری که سرمایه‌ای کلان را در چرخه اقتصادی به کار انداخته، بی‌توجهی برخی علما به کاهش ارزش اموال و تورم‌های شدید را غیرمنطقی ارزیابی می‌کند و با یک محاسبه ساده، در می‌یابد که در صورت عدم توجه به مقدار تورم در محاسبه خمس، بعد از مدتی نصف اموال او با عنوان خمس دریافت خواهد شد!

خمس طلا
و تکانه‌های اقتصادی

خمس شرعی به مال مازاد بر مؤونه، سرمایه‌های ثابت، سرمایه در گردش و درآمدهای نقدی و غیرنقدی که یک سال بر آن گذشته باشد، تعلق می‌گیرد. پرسش اصلی آن است که چگونه می‌توان این اموال را به صورت دقیق و صحیح محاسبه کرد و خمس اموال که به صورت یک حق شرعی، باید پرداخت شود، با چه ابزاری قابل محاسبه است؟ ضرورت توجه به این نکته، از این باب است که در شرایط پول اعتباری، ارزش اموال و کالاها، ثابت و قابل محاسبه دقیق نیست و هر روز، شاهد نوسان قیمت‌ها و تکانه‌های شدید اقتصادی هستیم. در این تنش‌های ارزی و اقتصادی، ارزش اموال جا به جا می‌شود و به دلیل اعتباری بودن پول، محاسبه ارزش واقعی اموال با تکیه بر قیمت‌ها درست نمی‌نماید. در سال ۱۳۵۱ و هم‌زمان با تصویب قانون پولی و بانکی کشور که هنوز معتبر است، ده هزار تومان معادل یک کیلو طلای ۲۴ عیار بوده و امروزه، یک کیلو طلای خالص ۲۴ عیار، تقریباً معادل هشتصد میلیون تومان است! به نظر می‌رسد، توجه به کاهش ارزش اموال در محاسبه خمس، ضروری است، چراکه در صورت عدم ملاحظه این مؤلفه، ممکن است بیش از نصف اموال یک فرد به عنوان خمس دریافت شود و متکفل محاسبه خمس، فریب ارزش اسمی اموال را بخورد. توجه به این نکته باعث شده که برخی عالمان دینی،

به میزان نرخ تورم، از خمس اموال مکلفان کم کرده و چنین تلقی نمایند که کاهش ارزش اموال در اثر تورم را در محاسبه خمس ملاحظه کرده‌اند. در این نوشتار، چنین رویکردی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و الگوی «خمس طلا» به عنوان ابزار مناسب محاسبه خمس پیشنهاد می‌شود.

تعریف خمس شرعی

در کلمات فقها، خمس به عنوان یک پنجم از اموال واجد شرایط است که باید پرداخت شود و از ضروریات اسلامی به شمار می‌رود. (یزدی، ۱۴۰۹، ص ۳۶۶) قرآن کریم، متعلق خمس را با لفظ «غنیمت» معرفی کرده است. (انفال: ۴۱) در معجم مقاییس اللغه آمده است که «غین، نون و میم، اصل کلمه بوده و از حروف صحیح می‌باشد که بر بهره‌وری انسان از چیزی که از قبل مالک آن نبوده، دلالت دارد؛ سپس به آنچه از مال مشرکین با قوه و غلبه گرفته می‌شود، اختصاص پیدا کرده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۳۹۷) بررسی «غنیمت» از

منظر آیات و روایات و لغت نشان می‌دهد که هر فایده‌ای که به انسان برسد و هر چیزی که انسان آنرا کسب کند، مصداق غنیمت بوده و مشمول خمس است. برای نمونه، در



شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۳۹۹

صحیح‌ه علی بن مهزیار به نقل از امام جواد (ع) آمده است که فرمودند: «... اما خمس غنایم و فواید در هر سال بر آنان واجب است بپردازند، خداوند متعال می‌فرماید: بدانید هرگونه غنیمتی نصیب شما می‌شود، یک پنجم آن از آن خداست...» پس غنایم و فواید عبارت است از: غنیمت و فایده‌ای که انسان برده و جایزه گرانقیمت از انسانی برای انسانی دیگر، و میراثی که انسان گمان آنرا نداشته است...». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۵۰۱ و ۵۰۲) بر همین اساس است که برخی محققین، موضوع خمس را فائده و غنیمت عنوان کرده‌اند و نه مال. (کاظمی، ۱۳۲۲، ۱۳۱)

در نظر قاطبه فقهای شیعه، خمس به هفت مورد تعلق می‌گیرد: غنیمتی که از کفار گرفته می‌شود، معادن، مال ذخیره شده و گنج، جواهر و معادنی که در غواصی به دست می‌آید، مال مخلوط به حرام و حلال، زمینی که اهل ذمه از مسلمان خریداری می‌کند و در نهایت، مالی که از مخارج سالیانه مکلف و خانواده‌اش اضافه باقی می‌ماند. (یزدی، ۱۴۰۹، ص ۳۷۰)

تعلق خمس به ارزش اسمی یا ارزش واقعی؟

پرسش اساسی در این مقام آن است که آیا خمس که متعلق به غنائم به‌دست آمده می‌شود، یک‌پنجم ارزش اسمی اموال است یا یک‌پنجم ارزش واقعی آن؟ این پرسش، در دوره معاصر و در شرایط پول اعتباری که ارزش واقعی اموال، بر اثر تورم و تحولات ارزی، نوسانات جدی پیدا می‌کند، مورد توجه فقیهان قرار گرفته است. گاهی ارزش اسمی و عددی یک مال، فاصله بسیار زیادی با ارزش اسمی آن پیدا می‌کند و اصطلاحاً بین بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد گسست ایجاد می‌شود. برای نمونه، در سال ۱۳۹۷ و بعد از آن‌که برخی مؤسسات مالی و اعتباری، توان بازپرداخت سرمایه و سود سپرده‌گذاران را نداشتند، فشار سیاسی و اجتماعی به دولت باعث شد که به دستور رئیس‌جمهور وقت، ۳۰ هزار میلیارد تومان خلق پول بانکی صورت گیرد که در اثر چنین اقدامی، اموال جامعه ایرانی و به‌خصوص ارزش ریال، به یک سوم تقلیل یافت. چنین اتفاقاتی در تاریخ پول اعتباری کم‌سابقه نیست و بارها در کشورهای مختلف تجربه شده است. بر اساس شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و خدمات CPI، طی دوره چهل ساله از ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۱، قدرت خرید ایرانیان ۸۷۰ برابر کاهش ارزش داشته است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، cbi).

معیار قراردادن ارزش اسمی اموال، نادیده‌گرفتن ظلم و بی‌توجهی به قاعده لاضرر است. در سوره الرحمن، قرآن کریم دستور می‌دهد که هرچیزی را با ترازوی عدل و انصاف بسنجید و در میزان، کم فروشی و نادرستی نکنید: «وَأَقِيمُوا أُلُوزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا أَلْمِيزَانَ» (الرحمن: ۹) آیا ارزش پول بر پایه ارزش اسمی می‌تواند انصاف و عدالت را در جامعه رعایت کند؟ در صورتی که معیار محاسبه خمس، ارزش اسمی و عددی اموال باشد، خمس شرعی، می‌تواند عامل جدیدی برای تضعیف وضعیت اقتصادی متدینین می‌شود؛ چراکه کاهش ارزش واقعی اموال مردم، مورد توجه محاسبه‌کنندگان خمس قرار نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد، تعلق خمس مطابق آیه ۴۱ سوره انفال، به اموالی تعلق می‌گیرد که به‌صورت واقعی ارزش‌مند شده و در مقایسه با سایر کالاها سود و منفعت واقعی باشد تا مصداق لفظ «غنیمت» به شمار آید. به همین دلیل، برخی فقیهان شیعه، صدق سود و تکسب را ملاک محاسبه خمس قرار داده‌اند. (یزدی، ۱۴۰۹، ص ۳۶۸)

ارزش اسمی پول هیچ ارزشی برای عقلا ندارد؛ زیرا تنها وظیفه اصلی پول اعتباری که باعث مقبولیت و تداوم استعمال آن می‌شود، وابسته به ثابت بودن قدرت خرید آن است. در رفتار عامه مردم و عقلای قوم هم مشاهده می‌شود که وقتی بخش زیادی از ارزش پول ملی کاسته می‌شود، گرایش جامعه به انتقال کارکردهای پولی به دیگر ارزهای اعتباری از جمله دلار، یورو و... و یا طلا فراوان می‌شود. اگر دلار نیز کاهش شدید ارزش پیدا کند، تمایل مردم نسبت به نگهداری آن نیز کم می‌شود.

پول اعتباری، حقیقتی جز «قدرت خرید» ندارد و سند تعهد بانک برای حفظ قدرت خرید مردم است. (متولی امامی، ۱۳۹۹، ص ۷۶) قدرت خرید، حیث تقییدیه و وصف مقوم پول اعتباری است و از این بابت، موضوعیت تمام دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۶۹) چندلر، اقتصادپژوه دانشگاه بریستون معتقد است نگهدارنده پول، نگهدارنده یک قدرت خرید کلی است که به مرور زمان برای رفع احتیاجات خود آن را به مصرف می‌رساند. (موسایی، ۱۳۸۳، ص ۴۳) هنگامی که این قدرت خرید، بر اثر تورم و خلق پول بانکی کاهش پیدا می‌کند و دچار نوسان می‌شود، عدد پول تغییری نکرده، اما توان خرید و «قوه شرائیه» آن، ضعیف شده است. (العبانی و یوسف، ۱۳۹۹، ص ۶۸) شهید صدر درباره ماهیت پول اعتباری می‌گوید:

«پول‌های کاغذی هرچند مال مثلی می‌باشند، ولی مثل آن، صرفاً همان ورق و قیمت ظاهری آن نمی‌باشد، بلکه هرآن چیزی که قیمت آن را مجسم و بیان می‌کند، مثل پول محسوب می‌شود. بنابراین اگر بانک، هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران، به مقدار حقیقی آنچه را دریافت کرده بود، پرداخت کند، مرتکب ربا نشده است.» (صدر، ۱۴۰۳، ص ۱۱۹)

پول‌های حقیقی مثل درهم و دینار که مالیت آن‌ها از جنس خودشان است، کاهش ارزش آن‌ها همانند دیگر اموال مثلی بر عهده نمی‌آید؛ اما پول اعتباری از آن جهت که به خودی خود ارزش مصرفی ندارد و فقط در داد و ستد به کار می‌رود، بدین سان همانند دیگر صفات مثل خود، به عهده می‌آید. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ص ۶۶ - ۶۸) در عرف ملی مبادلات و نیز در عرف بین الملل آن، ارزش پول و معیار اندازه‌گیری در پرداخت‌ها، همانا قدرت خرید و قوه شراء و یا به اصطلاح ارزش واقعی پول است و الا ارزش اسمی پول هرگز از طرف جوامع به



عنوان ابزار و معیار پرداخت ها مقبول نیافتاده و معیار پرداختها نیست. هرچند به اجبار در بازارهای ملی، این معیار بر شهروندان آن تحمیل شده باشد. (شعبانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹ - ۱۲۲)

حال در صورتی که خمس را متعلق به عدد و ارزش اسمی پول بدانیم، در حقیقت به ماهیت پول اعتباری بی‌توجهی کرده‌ایم و در محاسبه خمس، بیش از یک پنجم اموال پرداخت‌کنندگان خمس را دریافت کرده‌ایم. در مجموعه استفتائاتی که نگارنده از اغلب مراجع تقلید حاضر انجام داد، برخی فقیهان (خامنه‌ای، ۱۳۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۸ و شبیری زنجانی، ۱۳۹۸)، بر تعلق خمس به ارزش واقعی اموال تأکید کرده و محاسبه کاهش ارزش پول را لازم می‌شمارند. در مقابل، برخی دیگر، (سیستانی، ۱۳۹۸؛ گرامی، ۱۳۹۸؛ علوی گرگانی، ۱۳۹۸) با صراحت معیار محاسبه خمس را ارزش اسمی اموال معرفی کرده‌اند. از پاسخ بزرگانی چون آیت‌الله سیستانی^۱، آیت‌الله تبریزی(ره)^۲ و آیت‌الله سید کاظم حائری به سؤالات کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نیز معیار ارزش اسمی اموال در نظر این بزرگان قابل استنباط است. (یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۵۷) هم‌چنین از پاسخ آیت‌الله نوری همدانی^۳، آیت‌الله موسوی اردبیلی^۱ و

۱. «پول در زمره اموال مثلی است؛ بنابراین مطابق قاعده مشهور پذیرفته شده در فقه (ضمان مثلی به مثل است)، اگر شخصی مبلغی بدهکار باشد و هنگام ادای دین، ارزش پولی که دریافت کرد، به شدت کاهش پیدا کرده، و حتی به مقدار یک‌درصد ارزش زمان دریافت آن، پایین آمده، حق طلب‌کار، همان ارزش اسمی هنگام پرداخت به طلبکار است و بیش از آن، حق مطالبه از بدهکار را ندارد. برای مثال شخصی از پنجاه سال پیش، مبلغ هزار تومان از فردی طلبکار است که با آن پول می‌توانست هزار متر زمین بخرد ولی بر اثر تورم، ارزش پول در طول پنجاه سال گذشته، چنان کاهش یافته که اکنون نمی‌تواند حتی یک متر از آن زمین را با هزار تومان بخرد، اما چون مثلی است، طلبکار همان هزار تومان را طلب دارد، نه بیش‌تر از آن. (رک: سید علی سیستانی، پاسخ به نامه شماره ۱۳/۶۱۹/۵۶ مورخه ۱۳۷۵/۷/۲۴ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی).

۲. پول فی نفسه مال است و مثلی می‌باشد؛ بنابراین، کسی که در مهر و امثال آن، مبلغی را به پول رایج بدهکار شود، طلبکار نمی‌شود نمی‌تواند تر از مبلغ مزبور مطالبه کند و افزایش یا کاهش قدرت خرید، تأثیری در این حکم ندارد، و در صورت سقوط پولی از رواج، بدهکار باید بدل اعتباری آن که عنوان همان پول را دارد، پرداخت نماید. والله العالم. (رک: میرزاز جواد تبریزی، پاسخ به شماره ۲۵۲۸، مورخه ۱۳۷۵/۷/۲۴ به کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران).

۳. از آن‌جا که ارزش پول رایج در هر عصر و زمان، مبین ارزش‌ها و نشان‌گر نسبت‌های مختلف بین کالاها و خدمات است و اساس فلسفه وجودی پول نیز از همین اصل نشأت می‌گیرد، لذا به نظر حقیر لازم است به طور کلی در باب دیون و جنایات و ضمانات، ارزش‌ها و قدرت خریده‌ها - که در زمان‌های مختلف متفاوت می‌شود را همیشه در نظر بگیریم و به حساب بیاوریم تا راه ضرر و زیان را نسبت به دائن و مجتبی علیه مضمون له مسدود سازیم؛ البته تعیین کمیت و مقدار آن در زمان تأدیبه باید با نظر متخصص باشد. (رک: پاسخ به شماره ۸/۶۱۹/۵۶/د، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران).

آیت‌الله منتظری^۲ به پرسش‌های کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران نیز می‌توان «قدرت خرید» را ملاک اصلی ارزش پول اعتباری در نگرش این فقیهان دانست (همان، ص ۱۷۱ - ۱۷۲).

به نظر می‌رسد پول اعتباری، به جهت قدرت خرید و ارزش مبادله، مثلی است و بنابراین، ارزش اسمی آن در ثمن معامله، مهریه، قرض، مضاربه، و خمس ملاک نیست. در واقع ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید پول در هر زمانی، تابع حجم کالاها و خدمات قابل مبادله به وسیله آن در جامعه می‌باشد (یوسفی، ۱۳۷۷، ص ۴۹). بنابراین لازم است در محاسبه خمس، ارزش حقیقی اموال و کالاها مورد محاسبه قرار گیرد و کسی که حقیقتاً بر قدرت خرید او اضافه شده است مشمول خمس قرار گیرد. برای مثال، فردی که مال مخمس او در پایان سال ۱۳۹۶، یک میلیون تومان است، در صورتی که در پایان سال ۱۳۹۷، سه میلیون تومان از اموال‌اش باقی مانده باشد، نمی‌تواند مشمول حکم خمس قرار گیرد، چراکه در سال ۱۳۹۷، یک سوم ارزش ریال

فروریخت و ارزش حقیقی سه میلیون تومان در سال ۱۳۹۷، معادل یک میلیون تومان در سال ۱۳۹۶ است. در این صورت، این فرد، مالی بیش‌تر از پول مخمس قبلی به دست نیاورده؛ هرچند ارزش اسمی اموال‌اش، سه برابر شده است. اگر شخصی در سال ۱۳۷۶، تعداد ۱۰ سکه طلا ذخیره کرده و هر سال با محاسبه ریالی، بدون محاسبه کاهش ارزش پول، خمس پرداخت کرده باشد؛ اکنون کمتر از ۴ سکه برایش باقیمانده است! یعنی به خاطر تورم، بیش از ۶۰٪ اموال‌اش را بابت وجوهات خمس پرداخت کرده است! در حالی که تنها یک پنجم اموال او متعلق خمس بوده است.

۱. پول‌های کاغذی و تحریری جز حفظ مالیت و ارزش، خاصیت دیگری ندارند، آن‌هم در صورت الغای مالیت یا کم شدن ارزش از بین می‌رود.... (رک: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، پاسخ به نامه شماره ۴۵۳ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۵/۷/۲۱).

۲. چون پول‌های کاغذی کالا و متاع نیستند و واسطه مبادله کالاها و خدمات می‌باشند، ارزش آن‌ها به میزان قدرت خرید آن‌ها می‌باشد؛ بنابراین بنا بر احتیاط واجب، چه مهر و چه در قرض و ثمن معامله، باید قدرت خرید آن‌ها در وقت پرداخت، با مقایسه با قدرت خرید در وقت عقد ملاحظه شود. (رک: حسین‌علی منتظری، پاسخ به نامه شماره ۵۶/۶۱۹/۹، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران، مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۸).



شماره سوم

پاییز و زمستان

۱۳۹۹

شایسته توجه است که پنهان ماندن ارزش واقعی کالاها و مخفی شدن کاهش قدرت خرید، در شرایط پول اعتباری قابل تصور است و در وضعیت پول کالایی (مثلا پولطلا) که ارزش پول، ذاتی است و در نسبت با سایر کالاها مشخص می‌شود، چنین فرضی کمتر متصور است؛ چراکه بین بخش پولی و بخش واقعی اقتصادی شکافی وجود ندارد. به عبارت دیگر، در صورتی که پول، ارزش ذاتی و واقعی داشته باشد و جزو سبد کالاها محسوب شود، نوسان قیمتی آن جزئی، کوتاه مدت و مبتنی بر عرضه و تقاضاست، اما در شرایط پول اعتباری، نوسانات قیمت، اغلب بر اساس خلق پول و کاهش سیستمی ارزش اموال مردم بوسیله نظام بانکی رخ می‌دهد و اگر، موردی از موارد نوسان قیمت، ناشی از عرضه و تقاضا باشد، مشخص نمی‌شود. در این شرایط، پول اعتباری، به لحاظ ارزش اسمی ثابت است، اما قدرت خرید آن، دچار نوسانات شدید و مداوم می‌باشد. بنابراین در شرایط پول اعتباری، "افزایش قیمت" دو دلیل دارد:

۱- (تورم) خلق نقدینگی بانکی و کاهش ارزش ریال (مثال: افزایش اسمی قیمت طلا و خودرو ناشی از بی ارزش شدن ریال)

۲- (گرانی) ناشی از تغییر تعادل در عرضه و تقاضا (مثال: گران شدن گوسفند در ایام عید قربان)

این دو شکل از افزایش قیمت، تفاوت عمده دارند. در صورت اول، ارزش مال به صورت واقعی افزایش نیافته، هرچند ارزش اسمی آن بالا رفته است، اما در صورت دوم، کالاها ارزش مندتر شده‌اند و ارزش حقیقی آنها بالاتر رفته و می‌توانند مشمول خمس واقع می‌شوند. این قسم دوم از افزایش قیمت است که در نظر فقیهان، می‌تواند مشمول خمس واقع شود؛ چراکه برخی فقیهان، به «صدق تکسب» و جلب منفعت واقعی تأکید کرده‌اند. (یزدی، ۱۴۰۹، ص ۳۹۱) در شرایط پولطلا، این دو شکل از افزایش قیمت صورت نمی‌گیرد و معمولاً افزایش قیمت منحصر به قسم دوم است. قسم اول افزایش قیمت در شرایط پولطلا بسیار دشوار می‌نماید؛ چراکه طلا، کالای دارای ارزش واقعی است و قابل خلق پول نیست و تولید آن، مانند پول اعتباری آسان و ارزان نیست. اما در شرایط پول اعتباری، این دو شکل از افزایش قیمت‌ها (گرانی و تورم)، به هم آمیخته شده و در نتیجه، تفکیک آنها غیرممکن است. در صورتی که افزایش قیمت، ناشی از تورم باشد، نمی‌تواند چنین رشد قیمتی را مشمول خمس دانست و در

صورتی که افزایش قیمت، ناشی از گرانی باشد، ارزش حقیقی مال افزایش یافته و بی‌شک، مشمول خمس می‌باشد. بنابراین لازم است محاسبه‌کنندگان خمس و دفاتر مراجع معظم تقلید، در محاسبه خمس به ارزش حقیقی اموال توجه کرده و فریب ارزش اسمی اموال را نخورند.

شایسته توجه است که محاسبه کاهش ارزش پول‌های اعتباری در احکامی هم‌چون خمس یا دیگر دیون، درمان اساسی و ریشه‌ای وضع پولی و مالی نیست، چراکه این روش باعث توجیه تورم و موجب رضایت به وضع موجود شود و به قول فردریش فون هایک، تورم و تکانه‌های اقتصادی را عادی و حتی طبیعی جلوه دهد. (هایک، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰) نگارنده در کتاب «درآمدی بر نظریه پول‌طلا؛ نظام پولی تمدن نوین اسلامی»، سعی نموده نشان دهد که پول جامعه اسلامی که با عدالت و آرمان‌های قرآنی هماهنگی دارد، پول‌طلاست و درمان اساسی تورم و تکانه‌های ظالمانه اقتصادی، به نظر نگارنده، تأسیس نظام پولی مبتنی بر طلاست. طلا، کالایی است که جزو سبک کالاهای محسوب می‌شود و دارای ارزش ذاتی است و مانع از فاصله میان بخش پولی و واقعی اقتصاد می‌شود. از این روی، امکان خلق پول از هیچ ندارد و تورم آن نسبت به کل اقتصاد

صفر است. وقتی پول جزو سبک کالا باشد، هر کالایی که افزایش قیمت پیدا می‌کند، به این معناست که سایر کالاها ارزان‌تر شده‌اند؛ بنابراین تورم کالاها در نسبت با یکدیگر صفر است و مفهومی به نام تورم در قیمت طلا راه ندارد. (متولی امامی و غلامی، ۱۳۹۹، ص ۸۱) مطابق روایات ذیل باب دیه و سایر گزارش‌های تاریخی، ارزش یک گوسفند در صدر اسلام، یک دینار شرعی بوده که هر دینار، تقریباً معادل $\frac{4}{6}$ گرم است. اگر امروزه به قیمت گوسفند زنده و طلا نگاه کنیم، به خوبی معلوم می‌شود که هنوز قیمت گوسفند بر اساس طلا، با گذشته ۱۴۰۰ سال ثابت است! (همان، ص ۹۲)

با این حال، تا زمانی که نظام پول اعتباری مسلط است، تورم نیز امری اجتناب ناپذیر است (همان، ص ۱۵۳) و از این روی، جبران کاهش ارزش پول، به عنوان یک درمان موقت، در هنگام ادای دیون و در موضوع خمس، غیرقابل اجتناب است. برای محاسبه میزان کاهش ارزش پول، باید معیار مشخصی داشت و به قول فون هایک، «استاندارد تعدیل پذیر»ی برای جبران تأثیرات نامطلوب تورم تعیین نمود. (فون هایک، ۱۳۹۸، ص ۱۴۹)



در ادامه به دو معیار محاسبه کاهش ارزش پول اشاره می‌شود. یک روش، محاسبه کاهش ارزش اموال بر اساس نرخ تورم را دنبال می‌کند، روش دوم که پیشنهاد نگارنده است، محاسبه آن در نسبت با ارزش طلاست. نگارنده مدعی است که محاسبه ارزش واقعی اموال، با معیار ارزش طلایی آن، دقیق‌ترین و مناسب‌ترین معیار تعیین قدرت خرید در محاسبه خمس است.

محاسبه خمس با ملاحظه نرخ تورم

برخی از دفاتر مراجع عظام تقلید، با عنایت به تعلق خمس به ارزش واقعی اموال، ملاحظه نرخ تورم در محاسبه خمس اموال را ضروری دانسته و در تکانه‌های ارزی و نوسانات اقتصادی، کسر مقدار تورم در محاسبه سود و مقدار مازاد بر مؤونه را جایز می‌دانند. در واقع، روش برخی دفاتر مراجع تقلید در محاسبه خمس، ملاحظه نرخ تورم است. هرچند این دسته از فقیهان، با درک ضرورت کسر مقدار تورم از مقدار مازاد بر مؤونه سال، هوشمندی خود را نسبت به نوسانات پولی و بانکی جهان نشان داده‌اند، اما به نظر می‌رسد ملاحظه نرخ تورم در محاسبه خمس، روش دقیق و مفیدی نباشد. این عده، گزارش بانک مرکزی مبنی بر نرخ تورم سالانه را ملاک اصلی کسر مقدار تورم از مقدار اسمی اموال مشمول خمس می‌دانند. به نظر می‌رسد چهار چالش اساسی متوجه روش مذکور است و محاسبه خمس را دچار معضل می‌کند.

۱. به دلیل آن‌که بانک مرکزی، تحت اشراف دولت‌ها است و رئیس آن‌را رئیس جمهور تعیین می‌کند، گاهی به دلیل اغراض سیاسی و برای متهم‌نشدن دولت به ناکارآمدی، نرخ تورم کمتر از واقعیت‌ها گزارش می‌شود؛ به همین دلیل، نرخ تورمی که سایت مرکز آمار ایران (www.amar.org.ir) هر ساله اعلام می‌دارد، بسیار با نرخ تعیین شده توسط بانک مرکزی متفاوت است. بنابراین می‌توان گفت: نرخ تورم بانک مرکزی، لزوماً مطابق واقع نبوده و حاصل راهبردهای خاص آماری و مبتنی بر تخمین است. (نعمتی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۹۷)

۲. از آن‌جایی که نرخ تورم، متناسب با سبد کالای انتخابی توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود، سبد کالاها باید مشخص و معین باشد. در واقع معیار سبد کالا، با این منطق مطرح می‌شود که سبد کالای مهم مصرفی خانوار که شامل کالاهای اساسی و دارای

اولویت باشد، می تواند معیاری نسبتاً مناسبی برای تعیین قدرت خرید باشد؛ چراکه احتیاج همه اقشار و سطوح جامعه به این کالاها و مصرف آن در تمامی طول سال، می تواند معیار ثابتی از نیاز و مصرف همه اقشار جامعه را منعکس کند. با این حال، به نظر می رسد معیار سبد کالا، معیار مناسبی نباشد؛ چراکه کمتر کالایی از نوسانات فصلی قیمت ها در امان است. مثلاً قیمت گوشت گوسفند، برنج یا گوجه و سایر کالاهای خوراکی، اغلب در فصل زمستان نسبت به تابستان، دارای نوسانات قابل توجهی است. این نوسانات فصلی، مانع از تشکیل یک سبد کالای ثابت است. از سوی دیگر، انواع و اشکال مختلف یک کالا نیز دارای تفاوت های جدی قیمتی است. مثلاً گوشت سردست، با گوشت ران و گوشت گردن، تفاوت قیمت دارد و انواع برنج ها نیز در یک سطح ثابت قیمت قرار ندارند و بسته به سطح توان خرید هر خانواده، میزان مصرف و شکل مصرف

این کالاها در طبقات مختلف جامعه متفاوت می شوند. نکته سوم و قابل اهمیت آن است که ایده سبد کالا، از این جا شکل می گیرد که همه کالاها در برابر تورم، رفتار مشابهی ندارند. اگر تغییرات قیمت کالاها همگی در برابر نوسانات پولی و تورم، به یک صورت بود، نیازی به تعریف سبد کالا، برای ایجاد سنجه ارزش گذاری نبود. وقتی این تفاوت رفتاری در کالاها به چشم می خورد، به این معناست که اقبال جامعه، نیاز اقشار مختلف جامعه، با سطوح مختلف مالی و میزان مصرف، تفاوت دارد و این تفاوت، مانع بزرگی برای قرار گرفتن تعدادی از کالاها به عنوان سنجه ارزش گذاری می شود.

۳. اشکال دیگری که به این معیار وارد است، عدم تفکیک میان گرانی و تورم است. در واقع سبد کالایی، مضمون کالاهایی است که معلوم نیست نوسان قیمت آن ها، به دلیل گرانی است یا تورم. یعنی کم یابی آن کالاها موجب نوسان قیمت شده یا کاهش ارزش پول ملی چنین اتفاقی را رقم زده است.

۴. از سوی دیگر، این شکل از محاسبه، نتیجه محصلی ندارد و فریب دهنده است. توضیح آن که: با محاسبه نرخ تورم و کسر آن از مقدار مازاد بر مؤونه، مال مخمس بر اساس ریال یا سایر ارزهای اعتباری، مشخص شده و مقدار عددی آن، تعیین می شود. در صورتی که سال آینده، خمس همان فرد محاسبه شود و مال مخمس مذکور، ارزش خود



را از دست دهد، این کاهش ارزش، محاسبه نخواهد شد. برای مثال، تاجری که ۱۰۰ میلیون تومان مازاد بر مؤونه سال دارد، یک پنجم اموال‌اش، ۲۰ میلیون تومان می‌شود که با فرض نرخ تورم ۱۰ درصد، ۲ میلیون تومان از این عدد کاسته می‌شود و او باید ۱۸ میلیون تومان خمس پرداخت نماید. در این صورت، ۸۲ میلیون تومان، مال مخمس این تاجر است. در سال آینده، هنگام محاسبه خمس، مال مخمس مذکور (۸۲ میلیون تومان) از مقدار مازاد بر مؤونه سال‌اش کسر می‌گردد و مابقی اموال، متعلق خمس قرار می‌گیرد؛ این در حالی است که با فرض تورم ۱۰ درصدی در سال جدید، ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، از ارزش مال مخمس او کاسته شده و چنین کاهش ارزشی، دیگر در محاسبه خمس سال جدید، دخالت ندارد. بنابراین، محاسبه خمس بر اساس کسر نرخ تورم، ابزار مناسبی نیست و همه مقدار پولی که تاجر، امسال با عنوان نرخ تورم، پرداخت نکرده است، سال آینده از او گرفته خواهد شد.

خمس طلا و سنجش ارزش واقعی اموال

شاید بتوان گفت بهترین ابزار محاسبه ارزش واقعی اموال و دارایی‌ها، محاسبه ارزش آن‌ها در مقایسه با طلاست. یکی از کارکردهای پول، تعیین ارزش است و همه کشورها، ارزش پول خود را در مقایسه با طلا ارزش‌گذاری کرده‌اند و مهم‌ترین پشتوانه کالایی پول‌های اعتباری در جهان، طلا می‌باشد. در سال ۱۹۴۴ و در اجلاس مشهور به برتون وودز، همه کشورها با تعهد امریکا مبنی بر ثبات ارزش دلار و حفظ رابطه آن با طلا موافقت کردند. در این اجلاس مقرر شد که هر انس طلا، معادل ۳۵ دلار ارزش‌گذاری شود. امریکا این تعهد را در قبال سایر کشورها تا سال ۱۹۷۱ میلادی حفظ کرد؛ اما در این سال، با اعلام رسمی نیکسون مبنی بر قطع رابطه دلار و طلا که به شوک نیکسون معروف شده، امریکا تعهد خود را یک‌طرفه نقض کرد. (نقیب‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۹۸) با این نقض عهد که راه را برای خلق پول بانکی فراهم می‌کرد، ارزش دلار روز به روز فروریخت تا جایی که امروزه یک انس طلا تقریباً معادل ۱۹۰۰ دلار است.

در ایران نیز مطابق ماده ۱ قانون پولی و بانکی کشور، مصوب مجلس شورا در زمان پهلوی ۱۳۵۱ (که در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹ توسط مجلس شورای اسلامی نیز تأیید شد)،

ارزش هر ریال معادل یک صدم گرم طلای ۲۴ عیار تعیین شده است. بانکها تعهد کرده‌اند که ارزش ریال را حفظ کنند. در واقع، هر ده هزار تومان، باید معادل یک کیلو طلای ۲۴ عیار ارزشمند باشد! امروزه یک کیلو طلای ۲۴ عیار حدود یک میلیارد تومان قیمت دارد. این نقض تعهد فاحش به دلیل خلق پول بانکی است که موجب تورم افسارگسیخته در ۵۰ سال اخیر شده است. مقایسه ماده اول قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ و بند چهارم از ماده اول «قانون عملیات بانکی بدون ربا» مصوب ۱۳۶۲/۶/۱۰ که رسالت نظام بانکی جمهوری اسلامی را حفظ ارزش پول ملی دانسته، نشان می‌دهد که وظیفه نظام بانکی جمهوری اسلامی، حفظ ارزش و قدرت خرید پول ملی در مقایسه با طلاست و به لحاظ قانونی، معیار ارزش‌گذاری پول ملی، بر اساس قیمت طلاست. از آنجایی که ارزش‌گذاری کالاها و خدمات، با پول ملی هر کشوری مشخص می‌شود و ارزش واقعی اغلب پول‌ها، بر معیار طلا تعیین شده است، برای شناخت ارزش واقعی کالاها و میزان قدرت خرید افراد در هر زمانه، بهترین معیار، ارزش طلایی کالاها و خدمات است. شهید سید محمدباقر صدر(ره)، رد مثل حقیقی پول را در هنگام تأدیه قرض، بر معیار طلا می‌داند و معتقد است بانکها وظیفه دارند در هنگام وفا و تأدیه دین، به جبران کاهش ارزش پول بر معیار قیمت طلا نرخ صرف آن پردازند.

«أليس من الربا ان يدفع البنك لدى الوفاء ما يمثل قيمة ما اخذ و تقدر القيمة الحقيقية على اساس الذهب». (صدر، بی تا، ص ۲۴۰)

هنگامی که طلا، پشتوانه اصلی ریال معرفی می‌شود و ارزش آن بر اساس یک کالای دارای ارزش ذاتی معلوم شود، می‌توان میزان ارزش واقعی پول اعتباری را با طلا سنجید و قدرت خرید پول را با مقایسه با ارزش طلایی آن کشف کرد. طلا، آینه تمام‌نمای ارزش کالاهاست و یا به تعبیر هایک، طلا لنگر ارزش‌گذاری‌هاست (فون هایک، ۱۳۹۸، ص ۲۰۵) چراکه علاوه بر قانون کشورها در ارزش‌گذاری پول بر معیار طلا، این کالای ارزش‌مند، نه فصلی است و نه مطلوبیت آن متوقف بر منطقه‌ای خاص می‌باشد. طلا، تمام ویژگی‌های خلقتی پول را دارد و از چکش‌پذیری بالایی برخوردار است. کالایی است که اکسیدناپذیر بوده و دوام فراوانی دارد. ارزش بالایی را در حجم کمی جای داده و در طول تاریخ زندگی بشریت، به راهنمایی انبیا،



شماره سوم
پاییز و زمستان

۱۳۹۹

کارکردهای پولی داشته است. این کالای ارزشمند، از قانون مطلوبیت تبعیت نمی‌کند و از این بابت، از ثبات بسیار بالایی نسبت به سایر کالاها حتی در شرایط پول اعتباری برخوردار است. در قانون مطلوبیت، هر کالایی تا حد و مرز مشخصی مطلوبیت دارد. مثلاً فردی که تشنه است، تنها به یک یا دو لیوان آب نیاز دارد و بیش از آن، مطلوب نیست. در مورد سایر کالاها نیز این وضعیت وجود دارد اما در طلا، مطلوبیت، مرز زمانی و جغرافیایی ندارد و ارزش‌مندی آن همیشگی است. (متولی امامی و غلامی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱)

در صورتی که در محاسبه خمس، هر ساله مازاد بر مؤونه، سرمایه ثابت، سرمایه در گردش و درآمدهای نقدی و غیرنقدی، بر اساس طلا ارزش‌گذاری شود، می‌توان بر اساس ارزش طلایی اموال، خمس و یک‌پنجم ارزش واقعی را محاسبه کرد و به دقیق‌ترین عدد برای محاسبه خمس نسبت به سایر معیارها رسید. به این روش، اشکالاتی که در روش محاسبه خمس بر اساس نرخ تورم و بر اساس سبد کالا وارد بود، وارد نمی‌باشد و خمس، بر حسب ارزش واقعی اموال و مطابق میزان قدرت خرید محاسبه می‌شود. نکته قابل توجه این است که در این روش، تفکیک میان تورم و گرانی ممکن می‌شود؛ چراکه افزایش واقعی ارزش یک کالا، در مقایسه با سایر کالاها مشخص می‌شود و بهترین معیار برای مقایسه، طلاست. به عبارت دیگر، اگر کالایی که رشد قیمت داشته، در مقایسه با طلا، ارزش‌مندتر شده باشد، نشان دهنده گرانی آن است و اگر در مقایسه با طلا، ثابت مانده یا بی‌ارزش‌تر شده باشد، نشان دهنده تورم است. دو مثال زیر می‌تواند اهمیت محاسبه خمس بر اساس طلا را به خوبی نمایان سازد:

۱. شخصی در سال ۱۳۸۰ یک پراید صفر برای شغل رانندگی، به قیمت ۷,۵ میلیون تومان خریده است. همان موقع ۱,۵ میلیون تومان به عنوان خمس پرداخته و مال مخمس او ۷,۵ میلیون تومان می‌باشد. همان شخص در سال ۹۰ پراید قبلی را فروخته و با پول آن و مبلغی اضافه، یک پراید صفر جدید به مبلغ ۱۶ میلیون تومان می‌خرد. اکنون محاسبه میشود که مال او ۱۶ میلیون تومان است و با کسر مال مخمس قبلی، باید خمس ۸,۵ میلیون تومان (یعنی ۱,۷ میلیون تومان) را بپردازد تا ۱۶ میلیون تومانش مخمس گردد. همان شخص در سال ۹۷ پراید قبلی را فروخته و با اضافه کردن پول، یک پراید صفر

جدید به قیمت ۴۲ میلیون تومان می‌خرد. برای همان کالای پراید باید خمس (۴۲ منهای ۱۶) یعنی خمس ۲۶ میلیون تومان را به مبلغ ۵,۲ میلیون تومان بپردازد. راننده مثال فوق در این مدت از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷، حدود نیمی از ارزش واقعی اموالش را بابت خمس پرداخت کرده است، در حالی که خمس، پرداخت یک‌پنجم مال است! اما در صورتی که همین موضوع، بر اساس طلا محاسبه شود، چنین اشتباهی رخ نمی‌دهد و خمس مال، به درستی محاسبه می‌شود. سال ۱۳۸۰ قیمت سکه ۵۴ هزار تومان بوده. یعنی یک پراید ۱۳۸ سکه طلا قیمت داشته است و این شخص با ۱,۵ میلیون تومان خمس، حدود ۲۷ سکه پرداخته است و مال مخمس او ۱۱۱ سکه بهار آزادی است. سال ۹۰ سکه ۲۲۳ هزار تومان بوده. یعنی با ۱۶ میلیون تومان موجودی‌اش، می‌تواند حدوداً ۷۱ سکه طلا خریداری کند. در سال ۹۷ نیز می‌توان قیمت پراید را بر اساس طلا محاسبه کرد. پس خودروی پراید در این سال‌ها، با معیار «پول ثابت» ارزان شده است نه گران و مشمول خمس نمی‌گردد.



شماره سوم
پاییز و زمستان
۱۳۹۹

۲. شخصی سال ۱۳۷۵ مبلغ ۵ میلیون تومان دارد. او ۱ میلیون تومان خمس پرداخته و سپس با ۴ میلیون تومان پول مخمس، یک مغازه جهت کسب و کار خریده است. در سال ۱۳۹۶ مغازه به قیمت ۴۰۰ میلیون تومان فروخته شده و مغازه دیگری را خریداری کرده است. طبق نظر برخی آقایان باید خمس ۳۹۶ میلیون تومان باقی مانده را بپردازد که می‌شود: ۷۹,۲۰۰ میلیون تومان. اما با سنجش طلائی باید گفت: در سال ۱۳۷۵ سکه بهار آزادی ۴۰ هزار تومان بوده است؛ یعنی معادل ۱۰۰ سکه مال مخمس دارد. در سال ۱۳۹۶، سکه ۲ میلیون تومان شده است. یعنی ۴۰۰ میلیون تومان معادل ۲۰۰ سکه می‌شود. با محاسبات طلائی، ۱۰۰ سکه مخمس بوده و خمس ۱۰۰ سکه دیگر را مدیون است. یعنی ۲۰ سکه به مبلغ ریالی جمعاً ۴۰ میلیون تومان باید بپردازد. با این شکل محاسبه خمس، حتی افزایش قیمت واقعی از افزایش قیمت کاذب تفکیک می‌شود مثلاً اگر در هنگام خرید مغازه، آن منطقه متروکه بوده و حالا تبدیل به بازار شده است، «افزایش قیمت» فعلی، مخلوطی از تورم و رشد واقعی ارزش است. تنها با معادل‌سازی طلائی قیمت واقعی مغازه کشف می‌گردد و می‌توان خمس آن‌را با این معیار به دقت محاسبه کرد.

در جدول زیر قیمت واقعی هر سکه در ۲۰ سال گذشته بیان شده است و خمس یک فرد

تاجر در نسبت طلائی آن نشان داده می‌شود.

8/00	7/78	7/42	7/37	7/37	7/17	6/90	6/66	6/46	6/11	5/97	5/76	5/53	5/16	4/84	4/54	4/52	4/53	4/35	4/21	3/90	
310,664	350,722	435,650	446,158	447,975	501,832	594,738	696,286	794,080	1,027,100	1,138,201	1,333,853	1,593,432	2,244,083	3,048,857	4,132,895	4,641,559	4,273,771	4,237,629	5,088,777	5,820,587	8,579,415
310,664	40,058	84,929	10,508	1,817	53,857	92,906	101,548	97,795	233,020	111,100	195,652	259,579	650,651	804,774	1,084,038	508,664	-367,788	-36,142	851,148	731,810	2,758,828
77,666	10,014	21,232	2,627	454	13,464	23,227	25,387	24,449	58,255	27,775	48,913	64,895	162,663	201,194	271,010	127,166	-91,947	-9,035	212,787	182,953	689,707
388,330	50,072	106,161	13,135	2,271	67,321	116,133	126,935	122,243	291,275	138,875	244,565	324,473	813,314	1,005,968	1,355,048	635,830	-459,735	-45,177	1,063,935	914,763	3,448,535
0	310,664	350,722	435,650	446,158	447,975	501,832	594,738	696,286	794,080	1,027,100	1,138,201	1,333,853	1,593,432	3,048,857	4,132,895	4,641,559	4,273,771	4,237,629	5,088,777	5,820,587	8,579,415
388,330	360,736	456,882	448,785	448,429	515,296	617,964	721,673	818,529	1,085,355	1,165,976	1,382,766	1,658,326	2,406,746	3,250,051	4,403,905	4,768,725	4,181,824	4,228,594	5,301,564	6,003,540	9,269,122
38,833	45,092	58,741	60,512	60,820	69,960	86,150	104,537	122,890	167,967	190,678	231,649	288,000	435,000	630,000	910,000	1,060,000	946,000	936,000	1,171,000	1,381,500	2,200,000
10/00	8/00	7/78	7/42	7/37	7/37	7/17	6/90	6/66	6/46	6/11	5/97	5/76	5/53	5/16	4/84	4/54	4/42	4/52	4/35	4/21	3/90
76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97

خمس طلا
و تکانه‌های اقتصادی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خمس شرعی، یکی از واجبات الهی و از ضروریات اسلامی است. مسامحه و بی‌مبالاتی در محاسبه آن، منجر به تضییع حق مکلفان یا تضییع حق صاحبان خمس می‌شود. در شرایطی که پول اعتباری بر روابط اقتصادی و مبادلات مالی مسلمین حاکم شده، نوسانات ارزی و تکانه‌های اقتصادی، ارزش واقعی اموال را دچار جهالت کرده و بسیاری از احکام مالی اسلامی از جمله خمس را از بستر اصلی خود خارج کرده است.

افراد واجد شرایط پرداخت خمس، باید یک‌پنجم اموال خود را به عنوان خمس پرداخت کنند، اما باید توجه داشت که یک‌پنجم مال حقیقی و ارزش واقعی افراد متعلق خمس است و در صورت بی‌توجهی به این نکته، متکفل محاسبه خمس، گاهی تا نیمی از مال مکلفان را به عنوان خمس دریافت می‌کند. لازم است کاهش ارزش اموال در محاسبه خمس ملاحظه شود. به نظر

می‌رسد که بهترین معیار برای شناخت و محاسبه ارزش اموال مشمول خمس، طلاست؛ چراکه از سویی بزرگ‌ترین پشتوانه پولی کشورها محسوب می‌شود و از سوی دیگر، از ثبات بیشتری در نسبت با سایر کالاها برخوردار است. آنچه با عنوان تغییر قیمت طلا تصور می‌شود، نوسان ارزش پول‌های اعتباری است که به صورت گرانی و ارزانی طلا دیده می‌شود. بسیاری از دفاتر مراجع، با معیار قراردادن نرخ تورم، سعی کرده‌اند به کاهش ارزش اموال در محاسبه خمس توجه کنند که به نظر می‌رسد، چنین رویکردی غیردقیق و بی‌نتیجه است، چراکه تورم، در سال آینده، به اموال مخمس پرداخت‌کننده خمس نیز لطمه می‌زند و دیگر چنین ضرری قابل محاسبه نیست. برخی دیگر، به معیار سبد کالاها تأکید کرده‌اند که این معیار نیز به دلیل فصلی بودن کالاها، تفاوت اولویت‌های مصرفی خانواده‌ها و هم‌چنین عدم نرخ‌گذاری کالاها در شرایط پول اعتباری و دخالت دولت‌ها، نمی‌تواند معیار مناسبی باشد. پیشنهاد نگارنده، خمس طلا است که محاسبه خمس ارزش واقعی اموال، بر معیار نرخ صرف طلا انجام می‌شود.

گفتنی است که بهترین شرایط برای اجرای خمس طلا، شرایط پول‌طلاست؛ چراکه در شرایط پول اعتباری، عواملی چون: چسبندگی قیمت‌ها و نرخ‌گذاری دولت و دخالت سرمایه‌داران در حجم پول، هدایت پول و ارزش‌گذاری خدمات و کالاها، معادله دقیق کالاها با طلا را تحت تأثیر



قرار می‌دهند. با این حال، با توجه به قانون پولی کشورها که ارزش پول خود را بر اساس طلا تنظیم می‌کنند و هم‌چنین فصلی‌نبودن و مطلوبیت همیشگی و جهانی طلا، شاید بهترین معیار و نزدیکترین سنجه محاسبه ارزش واقعی پول و قدرت خرید، طلا باشد. خمس طلا، راهبرد پیشنهادی نگارنده در جهت تأسیس نظام پولی مبتنی بر طلاست. این نظام پولی، می‌تواند در همه احکام اسلامی از جمله خمس، زکات، دیه، مهریه، مضاربه، قرض و...، بستر مناسبی برای اجرای صحیح احکام اسلامی را فراهم کند.



منابع

- خامنه‌ای سید علی، پاسخ به استفتاء نگارنده به شماره ۲۳۳۴۲ به تاریخ ۱۳۹۸/۴/۳۱ و کد رهگیری ۱۵۴۷۵۰.
- شبییری زنجانی سید موسی، پاسخ به استفتاء نگارنده به شماره ۱۳۸۶۹ به تاریخ: ۱۳۹۸/۶/۴.
- شعبانی احمد (۱۳۸۷)، پول، بهره تورم، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- صدر سید محمدباقر (۱۴۰۳)، الاسلام یقود الحیاه، ج ۱، تهران: وزاره الارشاد الاسلامی.
- _____ (بی‌تا)، الاسس العامه للبنک فی المجتمع الاسلامی، ج ۱، تهران: موسسه البعثه.
- علوی گرگانی سید محمدعلی، پاسخ به استفتاء شماره ثبت ۱۴۰۵۸ به تاریخ ۱۳۹۸/۴/۳۱.
- فون هایک، فردیش، خصوصی سازی پول، ترجمه: امیررضا عبدلی، محمد جوادی، (تهران: آماره، ۱۳۹۸).
- کاظمی اسدالله بن اسماعیل، (۱۳۲۲) مقایس الانوار و نفاث الایثار، قم: موسسه آل البیت لاحیاء الایثار.
- گرامی محمدعلی، پاسخ به استفتاء نگارنده به شماره ۹۸/۸۷۳ به تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱.
- متولی امامی سید محمدحسین، غلامی محمدحسن (۱۳۹۹)، درآمدی بر نظریه پولطلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی، ج ۱، قم: کتاب فردا.
- مکارم شیرازی ناصر، پاسخ به استفتاء نگارنده شماره ۶۳۹۰۹۳ به تاریخ: ۱۳۹۸/۵/۷.
- موسایی، میثم، ربا و کاهش ارزش پول، ج ۱، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
- نقیب‌زاده احمد (۱۳۸۸)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، ج ۱، تهران: نشر قومس.
- نعمتی علی، توسلی محمداسماعیل، مجاهدی مؤخر محمدمهدی، «جبران کاهش ارزش پول اعتباری و دوگان مثلی - قیمی، نگرشی موضوع‌شناسانه»، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۱، ۱۳۹۹، صص ۸۵ - ۱۱۶.
- هاشمی شاهرودی سید محمود، (۱۴۲۳) قرائات فقهیه معاصره، جلد ۲، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- یزدی سید محمدکاظم (۱۴۰۹)، العروة الوثقی، جلد ۲، لبنان - بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- یوسفی احمدعلی (۱۳۷۷)، ماهیت پول، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (۱۳۸۱) ربا و تورم؛ بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسف ناصر، عربانی موسی، (۱۳۹۹) احیای پولطلا: راهبرد خروج از بحران پول اعتباری، ترجمه: سید محمدحسین متولی امامی، محمدحسن غلامی، ج ۱، قم: کتاب فردا.

